

 Sample Test

- We have completed ten items we started doing this exercise.

(خارج از کشور ۹۱)

- 1) when 2) since 3) enough 4) whether

پاسخ ۲ از وقتی که انجام این تمرین را شروع کردیم، ده مورد را کامل کرده‌ایم. (کاری که از زمان مشخصی در گذشته تا الان ادامه داشته. ← since)

دوبینگ استفاده از زمان حال کامل (have completed) قبل از جای خالی نشان می‌دهد که به احتمال زیاد جواب since است.

نکته همان‌طور که می‌بینید، since هم می‌تواند کلمه‌ی ربط علت باشد و هم کلمه‌ی ربط زمان (برای نشان دادن مبدأ عمل در گذشته).

کلمه‌ی ربط شرط

whether ۱- خواه ... خواه ... چه ... چه ... ۲- آیا، که آیا

همان‌طور که می‌بینید whether را در دو معنی می‌توانیم استفاده کنیم:

۱ **whether ... or** (خواه ... خواه ... چه ... چه ...)

فرض کنید یک روز حوصله‌تان خیلی سر رفته است و به دوستان زنگ می‌زنید و می‌گویید: «بیا برویم بیرون. چه هوا خوب باشد، چه خوب نباشد.» یعنی اهمیتی ندارد که هوا خوب است یا نه؛ در هر صورت می‌رویم بیرون. در این‌گونه موارد که هیچ‌کدام از دو فرض اهمیتی ندارد و در هر صورت نتیجه ثابت است، از whether استفاده می‌کنیم و حتماً بعد از آن or قرار می‌گیرد.

e.g. My little brother laughs at all jokes whether they are funny or not.



برادر کوچکم به همه‌ی جوک‌ها می‌خندد، چه بامزه باشند، چه نباشند.

(یعنی بامزه بودن یا نبودن جوک‌ها اهمیتی ندارد و برادرم در هر صورت به جوک‌ها می‌خندد.)

I'm going home whether you like it or not.

من به خانه می‌روم، چه دوست داشته باشی، چه دوست نداشته باشی.

(یعنی دوست داشتن یا دوست نداشتن تو اهمیتی ندارد و در هر صورت نتیجه ثابت است.)



۲ whether (آیا، که آیا)

بر عکس معنی اول whether که بعد از آن حتماً باید or بیاید، بعد از معنی دوم این کلمه، هم می‌توانیم از or استفاده کنیم و هم می‌توانیم در جمله or را نداشته باشیم. البته بعد از این معنی whether هم معمولاً or استفاده می‌شود.

e.g. I'm not sure whether to buy the car (or not).

مطمئن نیستم که آیا آن ماشین را بخرم (یا نه).

دوپینگ اگر در تست‌های مربوط به کلمات ربط، بعد از جای خالی or بود، به احتمال زیاد جواب whether است. البته دقت کنید که اگر بعد از جای خالی or not داشتیم، جواب حتماً whether خواهد بود.

Sample Test

● I asked him he had done it all by himself or someone had helped him.

- 1) as 2) since 3) when 4) whether

پاسخ ۴ از او پرسیدم که آیا آن کار را کلاً به تنهایی انجام داده بود یا کسی کمکش کرده بود.

دوپینگ اگر از ترجمه‌ی جمله هم بگذریم که خیلی راحت نشان می‌دهد جواب تست whether است، همین که بعد از جای خالی or داریم، ما را تقریباً مطمئن می‌کند که جواب تست باید whether باشد.

کلمه‌های ربط تضاد مستقیم

while / whereas

در حالی که

«تضاد مستقیم» یعنی دو شخص یا چیز متضاد را با هم مقایسه کنیم، مثل تابستان و زمستان (از نظر گرم و سرد بودن)، شب و روز (از نظر تاریکی و روشنایی)، چاق بودن حسین و لاغر بودن حسن و ... برای این که منظورم را بهتر متوجه شوید، این مثال‌ها را با while و whereas (کلمه‌هایی که برای نشان دادن تضاد و مقایسه استفاده می‌شوند) بخوانید:

e.g. I live in Tehran whereas Sarah lives in Paris.

من در تهران زندگی می‌کنم، در حالی که سارا در پاریس زندگی می‌کند.

(همان‌طور که می‌بینید، در این جمله فقط یک مقایسه‌ی ساده در مورد محل زندگی دو نفر انجام شده است.)





جملات مجهول / عبارتهای وصفی

04

Passives / Reduced Adjective Clauses

جملات مجهول موضوع گرامر درس ۶ کتاب سوم و عبارتهای وصفی موضوع گرامر درس ۳ کتاب پیش‌دانشگاهی هستند. اما چون این دو مبحث خیلی مرتبط به هم هستند، با هم توضیح داده می‌شوند.

جمله‌های معلوم و مجهول

در حالت عادی، جمله با فاعل شروع می‌شود. مثلاً وقتی می‌گوییم: «علی هفته‌ی قبل شیشه‌ها را تمیز کرد.»، به راحتی می‌توان فهمید که علی فاعل جمله است، چون فعل تمیز کردن را انجام داده و شیشه‌ها هم که مفعول جمله است، چون فعل تمیز کردن روی آن‌ها انجام شده. اگر بخواهیم همین مثال فارسی را به انگلیسی بگوییم، به این شکل می‌شود:

e.g. Ali cleaned the windows last week.

فاعل فعل معلوم مفعول



حالا فرض کنید در جمله‌ای، ندانیم فاعل چه کسی بوده یا خودمان نخواهیم فاعل جمله را مشخص کنیم و یا این که مفعول مهم‌تر باشد. در این شرایط می‌توانیم از جمله‌ی مجهول استفاده کنیم. یعنی:

- ① فاعل را حذف می‌کنیم.
 - ② مفعول را می‌آوریم اول جمله.
 - ③ فعل جمله را با ساختار to be + p.p. به حالت مجهول درمی‌آوریم.
- مثلاً همین مثال بالا، به صورت زیر مجهول می‌شود:

The windows were cleaned last week.

مفعول فعل مجهول

شیشه‌ها هفته‌ی قبل تمیز شدند.



سایر مباحث گرامری

Other Grammar Subjects

08

ترتیب صفت‌ها

اگر بخواهیم در جمله‌ای، قبل از اسم از چند صفت استفاده کنیم، ترتیب صفت‌ها به این صورت است (از چپ به راست بخوانید!):

اسم + صفت جنس + صفت ملیت + صفت رنگ + صفت شکل + صفت سن + صفت اندازه + صفت کیفیت + تعریف‌کننده

e.g. My brother has bought a big old American car.

تعریف‌کننده صفت اندازه صفت سن صفت ملیت اسم

برادرم یک ماشین امریکایی قدیمی بزرگ خریده است.

Elnaz is wearing a nice yellow cotton dress.

تعریف‌کننده صفت کیفیت صفت رنگ صفت جنس اسم

الناز یک لباس نخ‌ی زرد زیبا پوشیده است.



Sample Test

● Mary always likes to drive a/an car.

- 1) little old red 2) little red old
3) red little old 4) old little red

پاسخ ۱ مری همیشه دوست دارد یک ماشین قرمز قدیمی کوچک را براند.

a little old red car
تعریف‌کننده صفت اندازه صفت سن صفت رنگ اسم



(تجربی ۸۹)

۱ صفت‌های فاعلی و مفعولی

این مثال را بخوانید:

e.g. My little brother was amused when he saw that amusing cartoon.

برادرم وقتی آن کارتون سرگرم‌کننده را دید، سرگرم شد.

کارتون یک حسی را به وجود می‌آورد (نقش فاعلی دارد). ← پس برای آن از صفت فاعلی (با ing) استفاده می‌کنیم.

در برادرم یک حسی به وجود آمده است. (نقش مفعولی دارد). ← پس برای او از صفت مفعولی (با ed) استفاده می‌کنیم.

جدول مهم ترین صفت های فاعلی و مفعولی

صفت فاعلی	صفت مفعولی
amusing سرگرم کننده، بامزه	amused سرگرم
boring کسل کننده، خسته کننده	bored کسل، خسته، بی حوصله
confusing گیج کننده	confused گیج، سردرگم
embarrassing خجالت آور، شرم آور	embarrassed خجالت زده، شرمنده
exciting هیجان انگیز	excited هیجان زده
frightening ترسناک	frightened ترسیده، وحشت زده
interesting جالب	interested علاقه مند
shocking شوکه کننده، هولناک	shocked شوکه
surprising تعجب آور، شگفت انگیز	surprised متعجب، شگفت زده
tiring خسته کننده	tired خسته

دوپینگ روشی را به شما آموزش می دهد که با استفاده از آن تقریباً همیشه می توانید به تست های این مبحث پاسخ دهید. معمولاً در تست های کنکور، صفت های فاعلی (یعنی آن هایی که ing دارند) را برای غیر انسان و صفت های مفعولی (یعنی آن هایی که ed دارند) را برای انسان ها استفاده می کنیم.

 Sample Test

- My grandmother told us stories and we all enjoyed them very much.

- 1) amused (هنر ۹۱)
- 2) amusing
- 3) to amuse
- 4) to be amused



پاسخ ۲ مادربزرگم به ما داستان های سرگرم کننده ای می گفت و ما همگی از آن ها خیلی لذت می بردیم.

دوپینگ کلمه ای جای خالی به stories (داستان ها) اشاره دارد که اسم غیر انسان است. پس طبق روش دوپینگ، به احتمال زیاد صفت فاعلی (شکل ing دار) درست است.

عبارت های اسمی

همان طور که می دانید، وقتی می خواهیم با استفاده از کلمه های پرسشی (مثل whom, who, how, where, when, what, why, which) جمله را سوالی کنیم، بقیه ی جمله حالت سوالی دارد، نه خبری. یعنی بعد از این کلمه ها، اول فعل و بعد فاعل را استفاده می کنیم.



150. We could buy a blouse from that store. (تجربین ۹۰)

- 1) nice blue cotton Korean 2) nice blue Korean cotton
3) blue nice Korean cotton 4) Korean blue cotton nice

151. Our teacher didn't explain some of the points well; that's why the students have problems. (هنر ۹۰)

- 1) confuse 2) confusedly 3) confusing 4) confused

152. I saw a/an painting in the art gallery. (انسانی ۸۹)

- 1) old interesting Japanese 2) interesting old Japanese
3) old Japanese interesting 4) Japanese old interesting

153. Some computers have very instructions. (زبان ۸۹)

- 1) confuse 2) confused 3) confusing 4) confusingly

154. The jokes were to most of the children, so they got (هنر ۸۸)

- 1) amusing - amusing 2) amusing - amused
3) amused - amusing 4) amused - amused

155. That cupboard is very expensive. (زبان ۸۸)

- 1) brown Iranian big wood 2) big Iranian brown wood
3) big brown Iranian wood 4) Iranian big brown wood

156. "Do you remember what?" "Yes, I do." (انسانی ۸۷)

- 1) the teacher says 2) the teacher said
3) did the teacher say 4) does the teacher say

157. The students were very when they saw that movie.

- 1) amusing - interesting 2) amusing - interested (زبان ۸۷)
3) amused - interesting 4) amused - interested

158. "I don't know when at the office." "I think he stayed home."

- 1) David arrives 2) David arrived (خارج ۸۷)
3) did David arrive 4) does David arrive

159. I turned off the TV because I didn't find the film (انسانی ۸۶)

- 1) amusingly 2) amusing 3) amused 4) amuses

160. Why are you so sad? Is your life really (هنر ۸۶)

- 1) bores 2) bored 3) boring 4) so bored

واژگان سطح ۱

Vocabulary Level 1

88

۱ نگران، دلواپس ۲ مشتاق، آرزومند
anxious (adj.) I saw my sister's anxious face at the window.
 چهره‌ی نگران خواهرم را پشت پنجره دیدم.

۱ با نگرانی، با دلواپسی ۲ مشتاقانه
anxiously (adv.) We waited anxiously by the phone.
 ما با نگرانی کنار تلفن منتظر بودیم.

مناسب، شایسته
appropriate (adj.) This film is appropriate for small children.
 این فیلم برای بچه‌های کوچک مناسب است.

به‌طور مناسبی، به‌نحو شایسته‌ای
appropriately (adv.) The book is appropriately written.
 این کتاب به‌نحو شایسته‌ای نوشته شده است.

مصنوعی، ساختگی، تصنعی
artificial (adj.) I bought some artificial flowers.
 تعدادی گل مصنوعی خریدم.

به‌طور مصنوعی؛ [کالا و غیره] به‌طور ساختگی
artificially (adv.) The mushrooms are grown artificially.
 این قارچ‌ها به‌طور مصنوعی پرورش می‌یابند.

ضمیمه کردن، پیوست کردن، چسباندن
attach (v.) You should attach your picture to the form.
 باید عکستان را ضمیمه‌ی فرم کنید.

موجود، در دسترس
available (adj.) These shoes are not available in your size.
 این کفش‌ها در سایز شما موجود نیستند.

قرار داشتن، بودن
be located (v.) The park is located in the city center.
 آن پارک در مرکز شهر واقع شده است.



واژگان سطح ۵

Vocabulary Level 5

88

addict (n.) معتاد
 You could say that Mr. Smith is a television addict.
 می‌توانید بگویید که آقای اسمیت معتاد تلویزیون است.

addiction (n.) اعتیاد
 His addiction began a few years ago.
اعتیاد او چند سال قبل آغاز شد.

addictive (adj.) اعتیادآور، معتادکننده
 Tobacco is highly addictive.
 تنباکو بسیار اعتیادآور است.

advice (n.) ۱ توصیه، نصیحت ۲ مشورت، مشاوره
 I don't really want your advice.
 واقعاً نصیحت شما را نمی‌خواهم (نیاز ندارم).

advisability (n.) صلاح، مصلحت، معقول بودن
 Many people questioned the advisability of the new project.
 افراد زیادی مصلحت پروژه‌ی جدید را زیر سوال بردند.

advise (v.) توصیه کردن (به)، نصیحت کردن (به)
 I advise you to change clothes.
 به شما توصیه می‌کنم تا لباستان را عوض کنید.

agree (v.) ۱ موافقت کردن، قبول کردن ۲ هم‌عقیده بودن، موافق بودن
 I agreed to help him in his work.
 موافقت کردم در کارش به او کمک کنم.

agriculture (n.) کشاورزی
 This area depends on agriculture for most of its income.
 این ناحیه برای بیشتر درآمدش به کشاورزی وابسته است.

allow (v.) ۱ اجازه دادن به، گذاشتن ۲ امکان دادن
 They won't allow us to enter the garden.
 آن‌ها به ما اجازه نخواهند داد تا وارد باغ شویم.

weigh sth against sth

چیزی را در برابر چیزی سنجیدن
The advantages have to be weighed against the possible disadvantages.

مزیت‌ها باید در مقابل معایب احتمالی سنجیده شوند.

weight (n.)

I'm putting on weight these days.

این روزها دارم وزن اضافه می‌کنم (چاق می‌شوم).

وزن

پرسش‌های چهارگزینه‌ای



291. Farid does not know any French at all, so he should take a(n) course for beginners. (ریاضی ۹۴)

- 1) direct 2) scientific 3) elementary 4) developmental

292. I am sure this is an event that will in your mind for quite a long time. (انسانی ۹۴)

- 1) stick 2) survive 3) bother 4) suffer

293. Breathing involves taking air into one's and sending it out again. (هنر ۹۴)

- 1) muscles 2) vessels 3) joints 4) lungs

294. The tubes that carry liquid, especially blood through the body are called (زبان ۹۴)

- 1) joints 2) vessels 3) muscles 4) lungs

295. I am very happy working for Mr. Jalali's company because I get paid well. Mr. Jalali is a very good (خارج ۹۴)

- 1) winner 2) partner 3) employer 4) apprentice

296. For years, scientists have been trying to find good answers to this (تجربی ۹۲)

- 1) puzzle 2) capacity 3) purpose 4) projection

297. Exercise and weight can help lower your blood pressure and help you feel more energetic. (زبان ۹۲)

- 1) pace 2) task 3) loss 4) choice

298. In Northern part of the country, more than 75% of the land is used for (خارج ۹۲)

- 1) agriculture 2) emergency 3) projection 4) punctuation



- 362. The two organizations to form one company.** (ریاضی ۸۴)
 1) combined 2) influenced 3) involved 4) compared
- 363. A way of doing something, especially the usual way, is a** (ریاضی ۸۴)
 1) feature 2) procedure 3) posture 4) gesture
- 364. I'll have a with Jim about the arrangements.** (تجربی ۸۴)
 1) chat 2) labor 3) fact 4) force
- 365. Do you how much work I have done today?** (انسانی ۸۴)
 1) organize 2) advise 3) realize 4) promise
- 366. Test the of the water to make sure it's not too hot.** (هنر ۸۴)
 1) posture 2) gesture 3) temperature 4) atmosphere
- 367. The number of people in construction industry has been decreased.** (هنر ۸۴)
 1) employed 2) performed 3) prepared 4) informed
- 368. We need stronger laws to protect the from pollution.** (هنر ۸۴)
 1) projection 2) achievement 3) environment 4) biography
- 369. I didn't see him - I just heard his voice.** (زبان ۸۴)
 1) firmly 2) actualay 3) sharply 4) constantly

درس‌نامه‌ی کلوزتست

Cloze Test Explanation

۸۹

همان‌طور که احتمالاً می‌دانید، کلوزتست، ۵ سوال (یعنی ۲۰٪) از نمره‌ی کل درس زبان انگلیسی را به خودش اختصاص می‌دهد. کلوزتست، علاوه بر دانش واژگان و گرامر داوطلب، مهارت متن‌خوانی او را هم ارزیابی می‌کند.

پاسخ‌گویی به سوالات کلوزتست چندان هم سخت نیست. با کمی تمرین و رعایت مواردی که در ادامه گفته می‌شود، می‌توانید به راحتی از عهده‌ی کلوزتست بر بیایید.

اصول پاسخ‌گویی به متن‌های کلوزتست

① در ابتدا و قبل از این که سراغ سوالات کلوزتست بروید، یک‌بار خیلی سریع از روی متن بخوانید. هدف شما از خواندن سریع متن، صرفاً متوجه شدن ایده‌ی کلی متن است و اصلاً قصد ندارید جزء‌به‌جزء متن را متوجه شوید. از جاهای خالی سریع رد شوید و اصلاً روی کلمات ناآشنای متن گیر نکنید. سعی کنید برای خواندن سریع متن، کم‌تر از یک دقیقه وقت اختصاص دهید. برای تمرین کردن اصول پاسخ‌گویی به سوالات کلوزتست، متن کلوزتست انسانی ۹۳ را با هم می‌خوانیم. اول، یک بار سریع از روی متن بخوانید:



The word "ambulant" means "walking" and comes from the Latin ambulare meaning to walk. The first ambulances were indeed "walking" hospitals, which followed armies around in order to give 376 aid to those wounded in battle. The French 377 ambulance wagons towards the end of the 18th century. During the Crimean War, wagons 378 by men or horses took the wounded to hospital, 379 there was no 380 organized ambulance teams. Other countries also adopted this method for dealing with injuries in war. (خارج ۹۰)

376. 1) previous 2) anxious 3) flexible 4) speedy
 377. 1) forwarded 2) located 3) introduced 4) researched
 378. 1) enhanced 2) drawn 3) launched 4) stuck
 379. 1) because 2) although 3) so that 4) whether
 380. 1) interchangeably 2) silently 3) fortunately 4) properly

📌 توضیح گاهی طراح از یک جمله‌ی متن کلوزتست ۲ یا حتی ۳ سوال طرح می‌کند (مثل سوالات سوم تا پنجم این متن). در این گونه موارد سعی کنید با سوالات مثل قطعات پازل برخورد کنید. یعنی لزومی ندارد که وقتی از جمله چند سوال داریم، آن‌ها را به ترتیب پاسخ دهیم. کافی است راحت‌ترین سوال را جواب دهیم تا پاسخ دادن به بقیه‌ی سوالات هم راحت شود.

An object which revolves around a planet, as the Moon revolves around the Earth, is called a satellite. All satellites move around their parent 381 in paths called orbits. The attractive pull of the planet 382 its satellites in orbit. If the planet has an atmosphere and if the satellite comes close enough to move 383 that atmosphere, the satellite is slowed down and 384 falls to the surface of the planet. In falling through the atmosphere under the 385 of the planet's gravity, the satellite may come across enough rubbing to cause it to burn up like a meteor. (انسانی ۸۹)

381. 1) probes 2) rockets 3) vehicles 4) planets
 382. 1) keeps 2) picks 3) makes 4) saves
 383. 1) on 2) with 3) through 4) by
 384. 1) firmly 2) mainly 3) carelessly 4) finally
 385. 1) shape 2) mantle 3) projection 4) influence

📌 توضیح همان‌طور که می‌بینید، در خیلی از موارد، جمله‌ی اول متن کلوزتست، توضیح یا تعریفی از کلیت متن ارائه می‌کند. درک صحیح این جمله، برای جواب دادن به سوالات متن خیلی کلیدی است.



Leisure, or free time, is time spent away from business, work, and household duties. It does not actually include time **476** on necessary activities such as sleeping and, where it is a must, e.g. education.

The distinction or difference between leisure and unavoidable activities is not a rigidly defined one; for example, people sometimes do work-related ...**477**... for fun as well as for long-term utility. There is also a distinction between free time and leisure. For example, Situationist International states that free time is rarely free; economic and social forces **478** free time from the individual and sell it back to them as a product known as "leisure". ...**479**... most people's leisure activities are not a completely free choice, and may be limited by social ...**480**... ; for example, people may be forced to spend time gardening by the need to copy the standard of neighboring gardens. (تجربی ۹۳)

- | | | | |
|----------------------------|---------------|--------------|-------------|
| 476. 1) spends | 2) spending | 3) is spent | 4) spent |
| 477. 1) procedures | 2) activities | 3) profits | 4) factors |
| 478. 1) distract | 2) steal | 3) decrease | 4) prevent |
| 479. 1) Fortunately | 2) Similarly | 3) Certainly | 4) Formerly |
| 480. 1) pressures | 2) industries | 3) unions | 4) gestures |


🗨️ **توضیح** همان‌طور که در متن‌های بالا می‌بینید، گاهی متن‌های کلوزتست طولانی‌تر از عرف معمول کنکور هستند. اگر امسال هم متن کنکور شما طولانی بود، سعی کنید موقع مرور سریع متن، از جملاتی که سوال ندارند با سرعت بیشتر تری رد شوید تا جملات دارای سوال را با دقت بیشتر تری بخوانید.

Wages, or salaries as they are also called, are payments by employers to their employees in return for work. Sometimes they are **481** on time - the worker being paid at a rate of so much an hour or so much a week, and sometimes they are paid for the **482** produced - a shirt maker, for example, is being paid so much for every shirt made. Wages are paid in money, but sometimes they **483** payments in kind, as when a caretaker is provided with a rent-free house. This type of payment is **484** controlled by law, **485** the worker is protected against a bad employer who might try to pay all or nearly all this wage in kind. (تجربی ۹۲)

- | | | | |
|----------------------------|-------------|---------------|----------------|
| 481. 1) passed | 2) crossed | 3) based | 4) awarded |
| 482. 1) individuals | 2) sources | 3) features | 4) articles |
| 483. 1) devote | 2) require | 3) include | 4) influence |
| 484. 1) socially | 2) strictly | 3) straightly | 4) similarly |
| 485. 1) for | 2) so that | 3) so as | 4) in order to |

🗨️ **توضیح** هرچند دانش‌آموزان پاسخ سوال دوم این متن را در کتاب‌های درسی‌شان خوانده‌اند، ولی

- | | | | |
|-------------------|--------------|--------------|-----------------|
| 506. 1) project | 2) network | 3) volume | 4) source |
| 507. 1) which | 2) when | 3) it | 4) there |
| 508. 1) briefly | 2) deeply | 3) sharply | 4) specifically |
| 509. 1) woke up | 2) picked up | 3) looked up | 4) turned up |
| 510. 1) processes | 2) phases | 3) successes | 4) services |

 **توضیح** برای یادآوری دقت کنید که کلوزتست چیزی نیست به جز چند سوال واژگان و گرامر که کنار هم قرار گرفته‌اند. پس سعی کنید تا حد امکان آن‌ها را به صورت سوالات مستقل واژگان و گرامر ببینید (البته با در نظر داشتن ایده‌ی کلی متن).

درس‌نامه‌ی درک مطلب

Reading Comprehension Explanation

88

برای بیش‌تر داوطلبان کنکور، درک مطلب سخت‌ترین بخش درس زبان انگلیسی به حساب می‌آید. درک مطلب زبان انگلیسی از ۲ متن نسبتاً طولانی تشکیل می‌شود که هر کدام از آن‌ها دارای تعداد بسیار زیادی لغت ناآشنای خارج از کتاب درسی است. البته خوش‌بختانه در سال‌های اخیر تعداد سوالات درک مطلب از ۱۰ سوال به ۸ سوال کاهش پیدا کرده است و عملاً درک مطلب ۳۲٪ از کل نمره‌ی درس زبان انگلیسی را تشکیل می‌دهد.

برای جواب دادن به سوالات درک مطلب به نکات زیر توجه کنید:

① یک روش برای جواب دادن به سوالات درک مطلب این است که ابتدا خیلی سریع از روی متن بخوانید و جای اطلاعات مختلف متن را به‌طور کلی در ذهنتان ثبت کنید تا وقتی سوالات را خواندید، جای کلی اطلاعات مختلف را بدانید و بخش مرتبط با آن سوال را با دقت بیش‌تری بخوانید.

② روش دوم برای جواب دادن به سوالات درک مطلب به این صورت است که ابتدا سوالات را بخوانید و زیر کلمه‌های کلیدی سوالات خط بکشید تا وقتی که سراغ متن رفتید، فقط دنبال کلمات کلیدی بگردید و جواب را پیدا کنید.

③ انتخاب هر کدام از این دو روش با خودتان است و خودتان باید هنگام تمرین متوجه شوید اگر در ابتدا متن را سریع بخوانید، نتیجه‌ی بهتری می‌گیرید یا اگر در ابتدا سراغ سوالات بروید.

④ رمز موفقیت داوطلبان در درس زبان انگلیسی، مدیریت زمان است. تنها داوطلبی می‌تواند از پس درک مطلب بربیاید که بتواند هر متن و سوالات آن را نهایتاً در ۴، ۵ دقیقه تمام کند. پس از همین الان تمرین کنید که:

- روی کلمات ناآشنا گیر نکنید و سعی کنید با حدس زدن معنی کلی آن‌ها، از این‌گونه کلمات رد شوید.
- به هیچ وجه تلاش نکنید که متن را به فارسی ترجمه کنید و سعی کنید متن را به همان زبان انگلیسی تجزیه و تحلیل کنید.
- متن را با تمرکز کامل بخوانید و آن را اصلاً زیر لب زمزمه نکنید که سرعتتان گرفته می‌شود.



کشورها این استنباط انجام می‌شود که به تازگی یکی از نزدیکان آن شخص در گذشته است.
ظاهر کلی سوالات گونه‌ی هفت:

- We (can) understand from the passage
- The writer / author points out that
- What does the writer / author imply ?
- We (can) conclude from the passage that
- It can be inferred from the passage that
- The writer / author (of the passage) suggests that

e.g. Socrates (C. 470-399 BC) was one of the greatest Greek philosophers. Little is known about Socrates' early life except that he served several times as a soldier and showed great bravery. He was born in Athens when that city was the leader of the world in literature, art, and government. (بخشی از متن هنر ۹۱)

- It can be understood from this paragraph that Socrates was born at a time when
- 1) Greece was under the control of soldiers
 - 2) Athens was in its best days
 - 3) no one lived happily and wisely
 - 4) his country needed more soldiers than artists

گزینه‌ی «۲» در ترجمه‌ی این پاراگراف می‌خوانیم:

«سقراط (حدود ۴۷۰ الی ۳۹۹ پیش از میلاد مسیح) یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان یونانی بود. در مورد اوایل زندگی سقراط اطلاعات کمی موجود است، به جز این که او چند بار به عنوان سرباز خدمت کرد و شجاعت بسیاری از خود را نشان داد. او وقتی در آتن به دنیا آمد که آن شهر رهبر جهان در ادبیات، هنر و حکومت [داری] بود.»
از بخش مشخص شده از متن می‌توانیم متوجه شویم که وقتی سقراط در آتن به دنیا آمد، این شهر در موقعیتی بسیار خوب قرار داشت. طبق همین استدلال، می‌توانیم استنباط کنیم که گزینه‌ی ۲ جواب این سوال است. اما طبیعتاً هیچ کدام از سایر گزینه‌ها را نمی‌توانیم از متن استنباط کنیم.

از این جا به بعد با سوالاتی آشنا می‌شوید که خیلی در کنکور متداول نیستند و از آن‌ها به ندرت سوال داریم:

۸ گونه‌ی هشتم: دسته‌بندی اطلاعات متن

در این گونه از سوالات، از شما خواسته می‌شود نحوه‌ی دسته‌بندی اطلاعات متن را مشخص کنید. آیا اطلاعات متن، بر مبنای تاریخ وقوع رویدادها (order of happening / historical order) دسته‌بندی شده‌اند؟ آیا متن بر مبنای مقایسه و سنجش (comparison and contrast) دو یا چند موضوع دسته‌بندی شده است؟ آیا در متن، یک مشکل مطرح شده و سپس راه حل آن ارائه شده (problem and solution)؟ و یا این که شاید اطلاعات متن بر مبنای اهمیت آن‌ها (order of importance) دسته‌بندی شده باشد.



Before the invention of the postage stamp, it was difficult to send a letter to another country. The sender paid for the letter to travel in his or her own country. Then the person in the other country paid for the rest of the trip. If a letter crossed several countries, the problem was worse.

Rowland Hill, a British teacher, had the idea of a postage stamp with glue on the back. The British post office made the first stamps in 1840. They were the Penny Black and the Twopence Blue. A person bought a stamp and put it on a letter. The post office delivered the letter. When people received letters, they didn't have to pay anything. The postage was prepaid.

Postage stamps became popular in Great Britain immediately. Other countries started making their own postage stamps very quickly.

There were still problems with international mail. Some countries did not want to accept letters with stamps from other countries. Finally, in 1874, a German organized the Universal Postal Union (UPU). Each country in the UPU agreed to accept letters with prepaid postage from the other members. Today, the offices of the UPU are in Switzerland. Almost every country in the world is a member of this organization. It takes care of any international mail problems.

Today, post offices in every country sell beautiful stamps. Collecting stamps is one of the most popular hobbies in the world, and every stamp collector knows about the Penny Black and the Twopence Blue. (هنر ۹۳)

551. It can be understood from the passage that sending letters to people in other countries

- 1) was made possible after the invention of the postage stamp
- 2) is no longer a practical and economical way of communication
- 3) existed even before the invention of the postage stamp
- 4) is the source of income for the Universal Postal Union

552. The Penny Black

- 1) appeared in the first half of the 19th century
- 2) appeared after the Twopence Blue turned out to be inefficient
- 3) was designed to primarily solve the problem of sending letters from one country to another
- 4) made it possible for letters to be attached to the part of the envelope having glue on it

553. The UPU was started by

- | | |
|----------------|----------------------------|
| 1) a teacher | 2) some European countries |
| 3) Switzerland | 4) a German citizen |



توضیح: نتیجه با **that** آمده، بنابراین **so** یا **such** می‌تواند صحیح باشد. جدای از این که در بین گزینه‌ها فقط **so** را داریم، با توجه به ساختار زیر هم فقط **so** می‌تواند درست باشد:

(جمله‌ی کامل + **that**) + صفت / قید + **so**

۵۱. **گزینه‌ی «۴»** امروز چنان روز سردی است که نمی‌توانیم به پیک‌نیک برویم.

توضیح: با توجه به ساختار زیر و کاربرد اسم قابل شمارش مفرد (**day**) بعد از جای خالی، **such a** درست است:

(جمله‌ی کامل + **that**) + اسم قابل شمارش مفرد + (صفت) + **such a / an**

۵۲. **گزینه‌ی «۲»** A: «هیچ کس نمی‌توانست پیانو را تکان دهد.»

B: «فکر کنم آن قدر سنگین بود که نمی‌شد آن را تکان داد.»
توضیح: نتیجه با **to** آمده است، بنابراین **too** یا **enough** می‌تواند صحیح باشد. با توجه به ساختار زیر و مفهوم جمله (بیش از حد سنگین بودن پیانو)، **too** درست است:

(مصدر با **to**) + (مفعول + **for**) + صفت / قید + **too**

۵۳. **گزینه‌ی «۱»** همه چیز آن قدر ناگهانی اتفاق افتاد که نتوانستم برای فکر کردن دربارهاش وقت پیدا کنم.

توضیح: نتیجه با **that** آمده است، بنابراین **so** یا **such** درست است. با توجه به ساختار زیر، **so** صحیح می‌باشد:

(جمله‌ی کامل + **that**) + صفت / قید + **so**

۵۴. **گزینه‌ی «۴»** پدرم به اندازه‌ی کافی حالش خوب نبود که امروز صبح سر کار برود.

توضیح: نتیجه با مصدر با **to** آمده است، بنابراین **too** یا **enough** می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که با توجه به ساختار زیر، صفت یا قید حالت باید قبل از **enough** قرار گیرد:

(مصدر با **to**) + (مفعول + **for**) + **enough** + صفت / قید

۵۵. **گزینه‌ی «۳»** آن‌ها به کسی نیاز داشتند که بتواند مدیر فوق‌العاده‌ای باشد. پیدا کردن چنین شخصی آسان نبود.

توضیح: **person** یک اسم قابل شمارش مفرد است. بنابراین قبل از آن از **such a** استفاده می‌کنیم، نه **such**.

۵۶. **گزینه‌ی «۱»** معلم آن قدر خسته بود که نمی‌توانست به درس دادن ادامه دهد.

(جمله‌ی کامل + **that**) + صفت / قید + **so**

۴۵. **گزینه‌ی «۲»** آن قدر در کلاس خسته بودم که نمی‌توانستم چشمانم را باز نگه دارم.

توضیح: قبل از جای خالی **so** داریم، بنابراین نتیجه باید با **that** بیان شود. دقت کنید که طبق ساختار زیر، بعد از **that** جمله‌ی کامل می‌آید و در نتیجه استفاده از فاعل (در این جا **I**) الزامی است:

(جمله‌ی کامل + **that**) + صفت / قید + **so**

۴۶. **گزینه‌ی «۱»** خوشبختانه، طوفان به اندازه‌ی کافی قوی نبود تا باعث هر خسارت شدیدی به شهر شود.

توضیح: با توجه به ساختار زیر، بعد از **enough**، نتیجه با **to** گفته می‌شود:

(مصدر با **to**) + (مفعول + **for**) + **enough** + صفت / قید

دقت کنید که در این تست **storm** (طوفان) فاعل فعل **cause** (باعث ... شدن) است. بنابراین فعل جای خالی نمی‌تواند مجهول باشد. (دلیل نادرستی گزینه‌ی «۴»)

۴۷. **گزینه‌ی «۲»** A: لازم است در مورد چیزی با شما صحبت کنم.

B: شرمنده، اما آن قدر گرفتار هستم که نمی‌توانم حرف بزنم.
توضیح: نتیجه با **to** آمده است. بنابراین **too** یا **enough** می‌تواند صحیح باشد. با توجه به ساختار زیر و معنی جمله (خیلی، بیش از حد)، **too** صحیح است:

(مصدر با **to**) + (مفعول + **for**) + صفت / قید + **too**

۴۸. **گزینه‌ی «۱»** این افراد آن قدر خسته‌کننده هستند که از دیدن آن‌ها متنفریم.

توضیح: نتیجه با **that** گفته شده است. بنابراین **so** یا **such** می‌تواند صحیح باشد. با توجه به ساختار زیر **so** درست است:

(جمله‌ی کامل + **that**) + صفت / قید + **so**

۴۹. **گزینه‌ی «۴»** پیتر در مورد کارش به اندازه‌ی کافی جدی نیست. او تقریباً هر روز دیر به سر کار می‌رود.

توضیح: با توجه به مفهوم جمله (به اندازه‌ی کافی) و ساختار زیر، **enough** صحیح است:

(مصدر با **to**) + (مفعول + **for**) + **enough** + صفت / قید

۵۰. **گزینه‌ی «۲»** آتش آن قدر سریع پخش شد که آتش‌نشانی نتوانست آن را کنترل کند.



۹۸. گزینه‌ی «۳» محققانی که علل گازهای گلخانه‌ای را مطالعه می‌کنند، پیشرفت زیادی داشته‌اند.

توضیح: با توجه به ترجمه‌ی جمله متوجه می‌شویم که برای کامل کردن ترجمه باید قبل از جای خالی «که» اضافه کنیم. بنابراین تست مربوط به مبحث عبارات‌های وصفی است. چون که اسم قبل از جای خالی (researchers) فاعل فعل جای خالی (study) است، فعل ینگار صحیح است.

۹۹. گزینه‌ی «۳» دوچرخه‌ام دزدیده شده است! قصد دارم به پلیس زنگ بزنم.

توضیح: با توجه به مفهوم جمله، my bike (دوچرخه‌ام) مفعول فعل steal (دزدیدن) است. در نتیجه، چون که قبل از فعل، به جای فاعل، مفعول داریم، جای خالی با فعل مجهول کامل می‌شود (گزینه‌های ۳ و ۴). برای اشاره به عملی که در زمان نامشخصی در گذشته انجام شده است، از زمان حال کامل (have / has + p.p.) استفاده می‌کنیم که شکل مجهول آن در گزینه‌ی (۳) آمده است.

۱۰۰. گزینه‌ی «۱» این بسته حاوی کتاب‌ها و مدارک است که اخیراً تحویل کتابخانه شده‌اند.

توضیح: با توجه به ترجمه‌ی جمله متوجه می‌شویم که برای کامل کردن ترجمه باید قبل از جای خالی «که» اضافه کنیم. بنابراین تست مربوط به مبحث عبارات‌های وصفی است. چون که گروه اسمی قبل از جای خالی (books and records) مفعول فعل جای خالی (deliver) است، فعل سوم فعل صحیح است.

۱۰۱. گزینه‌ی «۳» او می‌گوید افرادی که بقیه را تشویق می‌کنند تا حتی در بدترین شرایط امیدوار باقی بمانند، دوست دارد.

توضیح: با توجه به ترجمه‌ی جمله متوجه می‌شویم که برای کامل کردن جمله باید قبل از جای خالی «که» اضافه کنیم. بنابراین تست مربوط به مبحث عبارات‌های وصفی است. چون که اسم قبل از جای خالی (people) فاعل فعل جای خالی (encourage) است، فعل ینگار صحیح است.

۱۰۲. گزینه‌ی «۳» قطب جنوب از یخ پهنه‌ای پوشیده شده است که حاوی ۷۰ درصد از آب شیرین زمین است.

وقت برای مری و خانواده‌اش ارسال شود.

توضیح: با توجه به مفهوم جمله، information (اطلاعات) مفعول فعل send (فرستادن، ارسال کردن) است. در نتیجه، چون که قبل از فعل، به جای فاعل، مفعول داریم، جای خالی با فعل مجهول کامل می‌شود. شکل مجهول فعل وجهی should در گزینه‌ی (۱) آمده است.

۹۴. گزینه‌ی «۴» مرد جوانی که آن‌جا با تلفن صحبت می‌کند، بازیکن بسکتبال شناخته‌شده‌ای است.

توضیح: با توجه به ترجمه‌ی جمله متوجه می‌شویم که برای کامل کردن ترجمه باید قبل از جای خالی «که» اضافه کنیم. بنابراین تست مربوط به مبحث عبارات‌های وصفی است. چون که اسم قبل از جای خالی (may) فاعل فعل جای خالی (talk) است، فعل ینگار صحیح می‌باشد.

۹۵. گزینه‌ی «۲» این سوال خیلی سختی است، بنابراین نمی‌تواند در مدت کوتاهی آن‌قدر آسان پاسخ داده شود.

توضیح: با توجه به مفهوم جمله، it که جایگزین question شده است، مفعول فعل answer (جواب دادن، پاسخ دادن) است. در نتیجه، چون که قبل از فعل، به جای فاعل، مفعول داریم، جای خالی با فعل مجهول کامل می‌شود. شکل مجهول فعل وجهی cannot در گزینه‌ی (۲) آمده است.

۹۶. گزینه‌ی «۱» خانم حمیدی کتابی را درباره‌ی گیاهان در جنگل‌های ایران نوشته است. این کتاب که در واقع پارسال منتشر شد، توجه زیادی را جلب کرده است.

توضیح: با توجه به ترجمه‌ی جمله متوجه می‌شویم که برای کامل کردن ترجمه باید قبل از جای خالی «که» اضافه کنیم. بنابراین تست مربوط به مبحث عبارات‌های وصفی است. چون که اسم قبل از جای خالی (book) مفعول فعل (publish) است، قسمت سوم فعل صحیح است.

۹۷. گزینه‌ی «۳» دانشمندانی که در مورد تغییرات اقلیمی صحبت می‌کنند، نگران گرمای جهانی هستند.

توضیح: با توجه به ترجمه‌ی جمله متوجه می‌شویم که برای کامل کردن ترجمه باید قبل از جای خالی «که» اضافه کنیم. بنابراین تست مربوط به مبحث عبارات‌های وصفی است. چون که اسم قبل از جای خالی (scientists) فاعل فعل جای خالی (talk) است، فعل ینگار صحیح است.



زمین نشانند، اما بعد از آن سانحه اتفاق افتاد.

۱) [هواپیما و غیره] به زمین نشستن؛ به زمین نشانندن
 ۲) جای ... را پیدا کردن، ۳) واکنش نشان دادن،
 عکس‌العمل نشان دادن، ۴) معلق بودن، شناور بودن

۳۰۴. گزینه‌ی «۳» دقیقاً نمی‌دانیم چه اتفاقی افتاد؛ او فقط خلاصه‌ای از رویدادها را ارائه کرد.

۱) اشتباه، ۲) تراکم؛ چگالی، ۳) طرح کلی؛ رئوس
 مطالب، خلاصه، ۴) مقاله؛ شیء، کالا

۳۰۵. گزینه‌ی «۳» آن محل وحشتناک بود؛ همه جا زباله و شیشه‌های شکسته وجود داشت.

۱) تراکم؛ چگالی، ۲) صدقه؛ مؤسسه‌ی خیریه، ۳) زباله،
 آشغال، ۴) سوخت

۳۰۶. گزینه‌ی «۲» افراد کمی مخالفت خواهند کرد که کاری باید انجام شود تا سطح جرم و جنایت کاهش یابد.

۱) حواس ... را پرت کردن، ۲) مخالفت کردن، موافق نبودن
 ۳) رنج بردن، درد کشیدن، ۴) واکنش نشان دادن،
 عکس‌العمل نشان دادن

۳۰۷. گزینه‌ی «۴» هابل به این نتیجه رسید که جهان در حال گسترش است.

۱) کشف، اکتشاف، ۲) ساخت، احداث؛ ساختمان
 ۳) بیان؛ اصطلاح؛ [چهره] حالت، ۴) نتیجه، نتیجه‌گیری

۳۰۸. گزینه‌ی «۲» من هرگز حافظه‌ی خوبی برای یادگیری اشعار نداشته‌ام.

۱) گزارش، ۲) حافظه؛ خاطره، ۳) سرگرمی، ۴) اثر، تأثیر

۳۰۹. گزینه‌ی «۳» افراد زیادی هستند، پس هیچ تضمینی وجود ندارد که در قطار یک صندلی پیدا کنید.

۱) نظم، انضباط ۲) اثر، تأثیر
 ۳) گارانتی، تضمین ۴) مبلغ مذهبی

۳۱۰. گزینه‌ی «۲» سخنرانی‌اش در ابتدا سرگرم‌کننده بود، اما بعداً واقعاً خسته‌کننده شد.

۱) دلواپس؛ نگران ۲) سرگرم‌کننده،
 ۳) آرامش‌بخش ۴) قوی، نیرومند

۳۱۱. گزینه‌ی «۱» اگر بخواهیم با شما کاملاً روراست باشیم، فکر نمی‌کنم پسران در این رشته‌ی تحصیلی موفق شود.

۱) صادق، روراست، ۲) خصوصی، شخصی، ۳) نگران؛
 مضطرب، ۴) منطقی، معقول

۲۹۵. گزینه‌ی «۳» خیلی خوشحالم که برای شرکت آقای جلالی کار می‌کنم، چون که خوب پول می‌گیرم. آقای جلالی کارفرمای بسیار خوبی است.

۱) برنده، ۲) شریک، یار، ۳) کارفرما، ۴) کارآموز

۲۹۶. گزینه‌ی «۱» دانشمندان سال‌هاست تلاش می‌کنند برای این معما پاسخ‌های خوبی پیدا کنند.

۱) معما؛ پازل، ۲) ظرفیت، گنجایش، ۳) هدف، مقصود
 ۴) [صدا] رسایی

۲۹۷. گزینه‌ی «۳» ورزش و کاهش وزن می‌توانند کمک کنند فشار خونتان پایین بیاید و کمک کنند احساس کنید پر انرژی‌تر هستید.

۱) گام؛ سرعت، ۲) وظیفه، کار، ۳) فقدان، کاهش
 ۴) انتخاب؛ حق انتخاب

۲۹۸. گزینه‌ی «۱» در بخش شمالی کشور، بیش از ۷۵٪ زمین برای کشاورزی استفاده می‌شود.

۱) کشاورزی، ۲) وضع فوق‌العاده، حالت اضطراری
 ۳) [صدا] رسایی، ۴) نشانه‌گذاری

۲۹۹. گزینه‌ی «۲» A: «چند دانشمند در کنفرانس شرکت کردند؟» B: «تقریباً ۵۰ نفر.»

۱) عمدتاً، غالباً ۲) تقریباً، حدوداً
 ۳) در درجه‌ی اول ۴) فوراً، بی‌درنگ

۳۰۰. گزینه‌ی «۳» تعجبی نداشت که او در ابتدا نتوانست من را بشناسد؛ گذشته از همه چیز، مدتی طولانی بود هم‌دیگر را ملاقات نکرده بودیم.

۱) مشاهده کردن، دیدن، ۲) تصور کردن، ۳) شناختن،
 تشخیص دادن، ۴) حدس زدن؛ تأمل کردن

۳۰۱. گزینه‌ی «۲» او مرد خیلی خوبی است [و] همواره سخت کار می‌کند تا به آن همه مردم فقیری که در زاغه‌های شهر زندگی می‌کنند کمک کند.

۱) طرح کلی، رئوس مطالب، خلاصه، ۲) محله‌ی
 فقیرنشین، زاغه، ۳) صومعه، ۴) درد، رنج

۳۰۲. گزینه‌ی «۱» مجموعه‌ی کتاب‌ها و مجلات من در مقایسه با مجموعه‌ی یک کتاب‌خانه هیچ چیز نیست.

۱) کلکسیون، مجموعه؛ جمع‌آوری، ۲) تولید
 ۳) درگیری؛ مشارکت، ۴) کارکرد، عملکرد

۳۰۳. گزینه‌ی «۱» خلبان هواپیما را بدون خطر به



می‌کرد، غیر ممکن بود.

(۱) ضمنی، تلویحی، (۲) مصنوعی، ساختگی، تصنعی
(۳) بی‌احساس، بی‌روح، (۴) غیرمنتظره
۳۶۲. گزینه‌ی «۱» آن دو سازمان تلفیق شدند تا یک شرکت را شکل دهند.

(۱) ترکیب کردن؛ تلفیق شدن، (۲) اثر گذاشتن بر،
تأثیر گذاشتن بر، (۳) درگیر کردن؛ مستلزم ... بودن، (۴)
مقایسه کردن، سنجیدن

۳۶۳. گزینه‌ی «۲» روشی برای انجام چیزی به
خصوص، روش معمول آن رویه است.

(۱) ویژگی، خصوصیت، (۲) روال، رویه، (۳) بدن حالت،
وضع، (۴) ژست، حرکت سرودست

۳۶۴. گزینه‌ی «۱» با جیم در مورد توافقات گپی
خواهم زد.

(۱) گپ، صحبت، چت، (۲) کار؛ نیروی کار، (۳) حقیقت،
واقعیت، (۴) زور؛ نیرو

۳۶۵. گزینه‌ی «۳» متوجه هستید امروز چقدر کار
انجام داده‌ام؟

(۱) سازمان دادن، سازمان‌دهی کردن، (۲) توصیه کردن
به، نصیحت کردن به، (۳) تشخیص دادن، متوجه بودن،
(۴) قول دادن

۳۶۶. گزینه‌ی «۳» دمای آب را کنترل کنید تا مطمئن
شوید خیلی داغ نیست.

(۱) بدن حالت، وضع، (۲) ژست، حرکت سرودست
(۳) دما، (۴) اتمسفر، جو

۳۶۷. گزینه‌ی «۱» تعداد افرادی که در صنعت
ساخت‌وساز استخدام شده‌اند، کاهش یافته است.

(۱) استخدام کردن، (۲) انجام دادن، اجرا کردن، (۳) آماده
کردن، مهیا کردن، (۴) اطلاع دادن به، مطلع کردن

۳۶۸. گزینه‌ی «۳» ما به قوانین قوی‌تری نیاز داریم تا
از محیط زیست در برابر آلودگی محافظت کنیم.

(۱) اصدا [رسایی، (۲) موفقیت، دستاورد، (۳) محیط،
محیط زیست، (۴) بیوگرافی، زندگی‌نامه

۳۶۹. گزینه‌ی «۲» او را در واقع ندیدم - فقط صدایش
را شنیدم.

(۱) قاطعانه، به‌طور جدی، (۲) درواقع، درحقیقت، (۳) به

شدت، (۴) پیوسته، دائماً

۳۷۰. گزینه‌ی «۲» یکی از دوستانم پولم را
دزدید. نمی‌دانم که آیا به پلیس بگویم یا از آن
چشم‌پوشی کنم.

(۱) منتشر کردن، (۲) نادیده گرفتن، چشم‌پوشی کردن از
(۳) مداخله کردن، دخالت کردن، (۴) اطلاع دادن به،
مطلع کردن

این که چرا اغلب دانش‌آموزان خیلی خوب، در
امتحانات رد می‌شوند اخیراً به وسیله‌ی استاد
روان‌شناسی مورد مطالعه قرار گرفته شده است.
پروفسور ایریس فدر تحقیقاتی درباره‌ی اضطراب
بعضی از دانش‌آموزان انجام داد. او اظهار کرد (بیان
کرد) بیش‌تر دانش‌آموزان در امتحانات رد می‌شوند
چون به‌شدت عصبی و مضطرب می‌شوند و نمی‌توانند
فکر کنند. علاوه بر این (مضاف بر این) اگرچه آن‌ها
سخت مطالعه کرده‌اند، از هر آنچه که در امتحان
هست، ترسیده‌اند. بنابراین آن‌هایی که عصبی هستند،
هرچه را مطالعه کرده‌اند، فراموش می‌کنند.

۳۷۱. گزینه‌ی «۱»

(۱) تحقیق، پژوهش، (۲) بدن حالت، وضع، (۳) تمرین،
(۴) رویه، روال

۳۷۲. گزینه‌ی «۳»

(۱) افزایش دادن؛ بهبود بخشیدن، (۲) به صدا در آمدن،
تلق و تلوک کردن، (۳) بیان کردن، اظهار کردن، (۴)
اندازه‌گیری کردن

۳۷۳. گزینه‌ی «۴»

(۱) به نرمی، به آرامی، (۲) به جای یک‌دیگر، (۳) دقیقاً،
به‌طور دقیق، (۴) به شدت، خیلی

۳۷۴. گزینه‌ی «۴»

(۱) با این حال، (۲) چون، چون که، (۳) چه ... چه، آیا، که
آیا، (۴) علاوه بر این

۳۷۵. گزینه‌ی «۳»

(۱) روستایی، (۲) بی‌فایده، (۳) عصبی، مضطرب
(۴) نامربوط، بی‌ربط

کلمه‌ی "ambulant" به معنای «متحرک، سیار» است و
از کلمه‌ی لاتین "ambulare" به معنی راه رفتن می‌آید.